

کتاب مستطاب ایقان

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



معنی تحریف مذکور در قرآن آنست حضرت بهاء الله ، محاضرات جلد ۱ صفحه ۴۹۹

میفرمایند قوله تعالی

مقصود از تحریف را در این مدت ادراک نموده اند بلی در آیات منزله و کلمات مرایای احمدیه ذکر تحریف غالبین و تبدیل مستکبرین هست ولکن در مواضع مخصوصه ذکر شده و از آنجمله حکایت ابن صوریاست که در وقتیکه اخل خبیر در حکم قصاص زنای محصن و محصنه از نقطه فرقان سئوال نمودند و آن حضرت فرمود حکم خدا رجم است و ایشان انکار نمودند که در تورات چنین حکمی نسبت حضرت فرمود از علمای خود که را مسلم و کلام او را مصدقید ابن صوریا قبول نمودند حضرت او را احضار نمود و فرمود اقسامک بالله الذی فلق لکم البحر و انزل علیکم المن و السلوی و ظل لکم الغمام و نجاکم من الفرعون و ملائنه و فضلکم علی الناس بان تذکر لنا ما حکم به موسی فی قصاص الزانی المحصن و الزانیة المحصنة که مضمون او اینست که آنحضرت ابن صوریا را باین قسمهای موکد قسم دادند که در تورات حکم قصاص در زنای محصن چه نازل شده عرض نمود یا محمد رجمت آن حضرت فرمود پس چرا این حکم میان یهود منسوخ شده و مجری نیست عرض نمود چون بخت النصر بیت المقدس را بسوخت و جمیع یهود را بقتل رساند و دیگر یهودی در ارض باقی نماند الا معدودی قلیل و علمای انصر نظر بقتل یهود و کثرت عمالقه بمشاوره جمع شدند که اگر موافق حکم تورات اعمال شود آنچه از دست بخت النصر نجات یافتند بحکم کتاب مقتول میشوند و باین مصالح حکم قتل را از میان بالمره برداشتند باری در این بین جبرئیل بر قلب منیرش نازل شده و این آیه عرض نمود " یحرفون الکلم عن مواضعه " این یکموضع بود که ذکر شد و در این مقام مقصود از تحریف نه چنانست که این همج رعاج فهم نموده اند چنانچه بعضی میگویند که علمای یهود و نصاری آیاتی را که در وصف محمدیه بود از کتاب محو نمودند و مخالف آن راثبت کردند این قول نهایت بیعنی و بی اصلست آیا میشود کسی که معتقد بکتابی گشته و من عند الله دانسته او را محو نماید و از این گذشته تورات در همه روی ارض بود منحصر بمکه و مدینه نبود که بتوانند تغییر دهند و با تبدیل نمایند بلکه مقصود از تحریف همین است که الیوم جمیع علمای فرقان بان مشغولند و آن تفسیر و معنی نمودن کتابت بر هوی و میل خود و چون یهود در زمان آن حضرت آیات تورات را که مدلل بر ظهور آن حضرت بود بهوای خود تفسیر نمودند و بیان آن حضرت راضی نشدند لهذا حکم تحریف درباره آنها صدور یافت چنانچه الیوم مشهود است که چگونه تحریف نمودند امت فرقان آیات کتاب و علامات ظهور را بمیل و هوای خود تفسیر مینمایند چنانچه مشهود است و در مقام دیگر میفرمایند و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون و این آیه هم مدلست بر تحریف معنی کلام



ORIGINAL

الهی نه در محو کلمات ظاهریه چنانچه از آیه مستفاد میشود و عقول مستقیه هم ادراک مینماید و در موضوع دیگر میفرماید فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیم ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمنا قلیلا الی آخر لایه و یان آیه در شان علمای یهود و بزرگان ایشان نازل شد که آن علما بواسطه استرضای خاطر اغنیا و استجلاب زخارف دنیا و اظهار غل و کفر الواحی چند بر رد حضرت نوشتند و بدلائلی چند مستدل شدند که ذکر آنها جایز نه و نسبت دادند ادله‌های خود را که اسفار از تورات مستفاد گشته چنانچه الیوم مشاهده میشود که چه مقدار رد بر این امر بدیع علمای جاهل عصر نوشته‌اند و گمان نموده‌اند که این مفتربات مطابق آیات کتاب و موافق کلمات اولوالالبابست باری مقصود از این اذکار این بود که اگر بگویند این علائم مذکوره را که از انجیل ذکر شد تحریف یافته و رد نمایند و متمسک بآیات و اخبار شوند مطلع باشید که کذب محض و اقترای صرفست بلی ذکر تحریف باین معنی که ذکر شد در اماکن مشخصه هست چنانچه بعضی از آن را ذکر نمودیم تا معلوم و مبرهن شود بر هر ذی بصری که احاطه علوم ظاهره هم نزد بعضی از امین الهی هست دیگر معارضین باین خیال نیفتند و معارضه نمایند که فلان آیه دلیل بر تحریفست و این اصحاب از عدم اطلاع ذکر این مراتب و مطالب را نموده‌اند و دیگر آنکه اکثر آیات که مشعر بر تحریفست درباره یهود نازل شده لو اتم فی جزایر علم الفرقان تحبرون اگر چه از بعضی از حمق‌های ارض شنیده شد که انجیل سماوی در دست نصاری نیست و باسماں رفته غافل از اینکه از همین قول نسبت کمال ظلم و جبر برای حضرت باری جل و عز ثابت میشود زیرا که بعد از آنکه شمس جمال عیسوی از میان قوم غایب شد و بفلک چهارم ارتقا فرمود و کتاب حق جل ذکره که اعظم برهان اوست میان خلق او هم غایب شود دیگران خلق از زمان عیسی تا زمان اشراق شمس محمدی بچه متمسکند و بکدام امر مامور و دیگر چگونه مورد انتقام منتقم حقیقی میشوند و محل نزول عذاب و سیاط سلطان معنوی میگردند از همه گذشته انقطاع فیض فیاض و انسداد باب رحمت سلطان ایجاد لازم میآید فنعود بالله عما یظنون العباد فی حقه فتعالی عما هم یعرفون انتهى .